

## "داعش" نمونه‌ای دیگر از ابزار ضد خلقی امپریالیسم!

تحولات ارتجاعی هفته‌های اخیر در عراق یکبار دیگر این واقعیت را که بازتقسیم امپریالیستی هم‌چنان بی‌وقفه ادامه دارد و بنیادگرایی اسلامی جز ابزاری در همین راستا، چیز دیگری نیست را به عینه نشان می‌دهد.

سلطه‌ی کامل بر منابع نفت و گاز خاورمیانه و آسیای میانه و بردن سهمی بیش‌تر از رقبا در غارت این خوان یغما، سرمایه‌های امپریالیستی آمریکا را بر آن داشت که با ایجاد بنیادگرایی اسلامی و سازمان‌دهی جریان‌ات بنیادگرای اسلامی، رژیم‌های حاکم بر این منطقه را با رژیم‌هایی با پوشش اسلامی جای‌گزین نمایند.

در اولین اقدام، یک رژیم دست‌نشانده در قالب جمهوری اسلامی، در ایران حاکم ساختند و سپس با لشکرکشی و استفاده از امکانات همین رژیم دست‌نشانده، رژیم‌هایی با عناوین اسلامی به افغانستان و عراق نیز تحمیل کردند.

امپریالیست‌ها در کشورهای تحت سلطه با مسلط نمودن اقوامی بر اقوام دیگر، تضادها و تخاصمات بسیاری را بین این اقوام ایجاد و تشدید می‌نمایند تا که در واقع زمینه را نه تنها برای تضعیف نمودن و تسلط بر این اقوام هموار کرده باشند، بلکه در عین حال شرایط را برای جنگ افروزی، که همیشه ابزار مناسبی هم برای برون رفت نظام سرمایه‌داری از بحران‌های ژرف اقتصادی درونی خویش و هم جهت انحراف افکار عمومی مردم کشورهای غربی بوده است، مهیا نمایند.

از آن جایی که طبقات حاکم بر اساس سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن از ازمه‌ی قدیم، مسلمانان این منطقه را به دو گروه بزرگ شیعه و سنی تقسیم کرده‌اند، دولت‌های امپریالیستی نیز در راستای سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن، مزدوران‌شان را در این مناطق نفت‌خیز و مسلمان‌نشین، از میان هر دو گروه انتخاب می‌کنند و به عبارتی تمام تخم‌مرغ‌ها را در یک سبد نمی‌گذارند!

اکثر جمعیت ایران شیعه هستند، بنابراین سرمایه‌های امپریالیستی آمریکا، حکومت را در اختیار مزدوران شیعه‌شان قرار می‌دهند؛ مضاف این که در میان مردمان سنی‌مذهب ایران نیز گروه‌های مزدور خویش را سازمان می‌دهند.

در افغانستان و در میان قوم پشتون که سنی‌مذهب نیز هستند، حزب اسلامی افغانستان را به رهبری گلبدین حکمت‌یار ایجاد می‌کنند، البته با امکانات دولت‌های سنی‌مذهب پاکستان، عربستان سعودی و شیخ‌نشین‌های منطقه‌ی خلیج فارس و در میان قوم هزاره که شیعه‌مذهب هستند، حزب وحدت اسلامی به رهبری عبدالعلی مزاری را سازمان می‌دهند و این‌جا نیز از امکانات دولت شیعه‌مذهب حاکم بر ایران استفاده می‌کنند. اما دولت دست‌نشانده در افغانستان ضرورتن باید سنی‌مذهب باشد زیرا که اکثریت جمعیت افغانستان سنی هستند.

در عراق نیز به خاطر اکثریت شیعه‌مذهب، با استفاده از امکانات رژیم شیعه‌مذهب حاکم بر ایران، حزب‌الدعوه‌ی شیعه‌مذهب را به رهبری نوری المالکی حاکم می‌سازند.

در رابطه با سوریه، به دلیل منافع و دخالت آشکار امپریالیسم روسیه، سرمایه‌های امپریالیستی آمریکا، پس از عقب‌نشینی و انصراف از طرح سرنگونی رژیم حاکم بر سوریه، گروه داعش (دولت اسلامی عراق و شام) یا (ISIS) را در نیمه‌ی دوم سال ۲۰۱۳ سازمان می‌دهند تا با توسل به ابزاری جدید و با اتخاذ تاکتیک‌هایی جدید، مجدداً با تحت فشار قرار دادن رژیم ضدخلقی بشار اسد در سوریه، در واقع به منافع امپریالیسم رقیب یعنی روسیه تعرض نمایند و این خود، با توجه به آنچه که در افغانستان، عراق، لیبی، اوکراین و ... می‌گذرد، به روشنی گویای تداوم بازتقسیم امپریالیستی می‌باشد.

در همین راستا، "داعش" مؤظف می‌گردد تا "خط لوله‌ی نفتی کرکوک عراق به بانیاس سوریه را تخریب کند، ولی خط لوله‌ی نفتی جیهان ترکیه را که نفت شمال عراق را به اسرائیل منتقل می‌کند هم‌چنان دست نخورده رها سازد" (دکتر موفق محادین: کارتل‌های نفتی، "خلافت اسلامی" و قومیت عربی در عراق).

به گزارش دیدبان حقوق بشر سوریه، مزدوران داعش روز پنج‌شنبه ۱۷ ژوئیه ۲۰۱۴ در حمله‌ای برای تسخیر یک میدان گاز در استان حمص ۱۱۵ نفر را می‌کشند. این حمله، "بزرگ‌ترین" عملیات داعش تا این تاریخ بر علیه نیروهای دولتی سوریه بوده است.

این گروه مرتجع، روز ۲۴ همین ماه اعلام نمود که پادگان نظامی "رقه" یکی از بزرگ‌ترین پادگان‌ها در شمال شرقی سوریه را که محل استقرار گردان هفدهم ارتش سوریه می‌باشد، کاملن به دست نیروهای این گروه افتاده است.

لازم به ذکر است که هسته‌ی اولیه گروه داعش از مزدورانی تشکیل شده است که قبلن با عنوان القاعده در عراق عمل می‌کردند و سپس نام خود را به "امارت اسلامی عراق" تغییر دادند. این جریان، با آغاز جنگ در سوریه وارد این کشور شده و در درگیری علیه رژیم بشار اسد شرکت می‌کنند. این گروه با به دست‌گیری مناطقی در سوریه و عراق و تسلیم موصل، دومین شهر بزرگ عراق، نام خود را به "امارات اسلامی عراق و شام" و متعاقبن به "دولت اسلامی" تغییر داده و در روز جمعه ۱۳ ژوئن ۲۰۱۴، خود را کشوری مستقل اعلام می‌کند. القاعده نیز پشتیبانی خود را از گروه داعش با عنوان "قهرمانان امارات اسلامی" رسمن اعلام نموده است.

در عین حال گروه‌ها و دسته‌جات مرتجع و مزدور دیگری مانند "جماعت انصار الاسلام"، "طریقت نقشبندی"، "جیش المجاهدین"، "ارتش اسلامی عراق" و ... در مناطق سنی عراق وجود دارند که با "داعش" همکاری و رقابت دارند. در واقع برخی از این گروه‌ها با هدف کلی اعلام شده از سوی گروه داعش یعنی برقراری خلافت اسلامی موافق هستند، ولی با ادعای خلافت توسط رهبران داعش مخالف‌اند.

رسانه‌های امپریالیستی با اعلام این که این گروه از القاعده جدا شده است، سعی می‌کنند این گروه را از بی‌آبرویی و بی‌اعتباری القاعده که خود الزامن چنین نقشی بدان داده‌اند، دور نگه دارند، در حالی که گروه "داعش" گرچه تحت نامی دیگر، اما در واقع ماهیتن همان القاعده است که ساخته و پرداخته‌ی دست امپریالیست‌ها می‌باشد.

رسانه‌های امپریالیستی همین شیوه را در افغانستان نیز به کار برده بودند. آن‌ها اعلام کردند حزب اسلامی افغانستان به رهبری ملا محمد عمر از حزب اسلامی افغانستان به رهبری گلبدین حکمتیار جدا شده است که در واقع این طور نبود.

بنابراین، عدم موضع‌گیری قاطع دولت‌های آمریکا و انگلستان در برابر "داعش"، دقیقاً به این دلیل است که این جریان مرتجع و مزدور به عنوان ابزار جدید ضدخلقی امپریالیسم آمریکا در عراق و سوریه جهت پیش‌بردن سیاست‌های آنان به میدان آورده شده است.

برای نمونه، باراک اوباما اعلام نمود که: "تا وقتی چاره‌اندیشی مناسبی وجود نداشته باشد، هرگز در عراق و منطقه آرامش برقرار نخواهد شد." یعنی مادامی که رقبای اروپائی و روسی از منافع خود در منطقه چشم‌پوشی نکنند و منافع سرشار این منطقه را فقط در اختیار سرمایه‌های آمریکائی قرار ندهند، دولت امپریالیستی آمریکا به جنگ‌افروزی در این منطقه ادامه خواهد داد و "هرگز در عراق و منطقه آرامش برقرار نخواهد شد."

جان کری، وزیر امور خارجه‌ی آمریکا می‌گوید که "باراک اوباما، رئیس‌جمهور آمریکا در این مورد، به وقت خود تصمیم خواهد گرفت."

ویلیام هیگ، وزیر امور خارجه‌ی انگلستان می‌گوید: "کشورش قصد هیچ‌گونه مداخله‌ی نظامی در عراق را ندارد."

یکی از رهبران سنی در حال جنگ با داعش می‌گوید "شورشیان، تسلیحات پیشرفته‌تر و سنگین‌تری از ارتش عراق دارند (بی بی سی). سؤال ساده‌ای که در این رابطه می‌توان مطرح ساخت این است که این "تسلیحات پیشرفته‌تر و سنگین‌تر از ارتش عراق" چگونه به دست گروه "داعش" افتاده است؟ چیزی که مسلم است این "تسلیحات پیشرفته‌تر و سنگین‌تر از ارتش عراق" از آسمان نباریده است، بلکه همان "امدادهای غیبی" ای هستند که توسط دولت امپریالیستی آمریکا در اختیار "داعش" قرار گرفته‌اند. بسیاری از فرماندهان ارتش عراق در مناطق به تصرف درآمده توسط "داعش"، صریحاً اعلام نموده‌اند که از بالا به آن‌ها دستور عدم مقاومت و خلع سلاح در برابر نیروهای "داعش" را داده بودند!

به هر حال، پیشروی گروه "داعش" هیچ نفعی که برای سرمایه‌های امپریالیستی آمریکا نداشته باشد، همین قدر کافی است که:

"با ادامه‌ی درگیری‌های عراق، قیمت نفت خام و ارزش دلار در معاملات جهانی در روز جمعه ۱۳ ژوئن افزایش یافت." (بی بی سی)

"اوائل امسال که "داعش" فلوچه را تصرف کرد، آمریکا روند فروش تجهیزات نظامی به عراق را سرعت بخشید. از جمله فروش پانصد موشک هوا به زمین، بیست و چهار هلیکوپتر تهاجمی، شانزده جنگنده‌ی اف شانزده و یک سری تجهیزات نظامی دیگر به عراق را آغاز کرد. واشنگتن قرار است تحت برنامه‌ی فروش خارجی تجهیزات نظامی، به بغداد پانزده میلیارد دلار تجهیزات نظامی بفروشد." (بی بی سی)

"آمریکا یازده میلیارد دلار سلاح به قطر می‌فروشد. این بزرگ‌ترین قرارداد فروش سلاح آمریکائی در سال جاری است." (بی بی سی، ۱۵ ژوئیه ۲۰۱۴)

با توجه به وضعیتی که توسط نیروهای ارتجاعی یعنی امپریالیسم و ایادی محلی و منطقه‌ئی آن در عراق شکل گرفته است، گردهای شمال عراق نیز از فرصت پیش‌آمده استفاده کرده و کنترل استان نفت‌خیز کرکوک را که از سال ۲۰۰۳ تاکنون همواره یکی از موارد مهم مورد اختلاف آنان با دولت مرکزی عراق بوده است را به دست می‌گیرند.

۲۵ ژوئن، احزاب سیاسی کردستان عراق، حزب دموکرات کردستان (بارزانی‌ها) و اتحادیه میهنی کردستان (طالبانی‌ها)، اختلافات خود را کنار گذاشتند و یک دولت محلی متحد را تشکیل دادند.

۲۹ ژوئن، نخست وزیر اسرائیل، بنیامین نتانیاهو طی سخنرانی در دانشگاه تل‌آویو اعلام می‌کند که اسرائیل از ایجاد کردستان مستقل پشتیبانی خواهد کرد. مشخص است که یکی از دلایل این موضع دولت صهیونیستی دست‌نشانده امپریالیست‌ها، تمایل و خواست همیشگی آن یعنی کوچک، پراکنده و تضعیف‌شدن رقبا و "دشمنانش" در همسایه‌گی و منطقه است.

دولت خودگردان کردستان در عراق به رهبری مسعود بارزانی، در اول ژوئیه ۲۰۱۴، تلویحاً عنوان نموده است که خواهان استقلال کردستان از طریق یک همه‌پرسی در مناطق کُردنشین است.

به هر حال، اگر این امر به این شکل و بدین ساده‌گی به‌وقوع بپیوندد، با توجه به این که مسئله‌ی کُرد در سطحی منطقه‌ئی مطرح است، این موضوع خود حاکی از آن خواهد بود که تغییر و تحولات ارتجاعی بیش‌تری به خصوص در سطح ژئوپولیتیک یا جغرافیای سیاسی منطقه‌ی خاورمیانه از سوی قدرت‌های امپریالیستی در راه است.

بدون تردید تحولات ارتجاعی و ضدخلقی اخیر در عراق و منطقه، خصوصاً با توجه به غیاب نیروهای انقلابی کمونیست و مترقی، یقیناً نه تنها چشم‌انداز روشنی را پیش روی توده‌های این منطقه قرار نمی‌دهد، بلکه آتش اختلافات قومی، مذهبی و قبیله‌ئی را هرچه بیش‌تر شعله‌ور و میزان قتل و کشتار و بی‌خانمانی و آواره‌گی توده‌های محروم و زحمتکش را فزون‌تر و در یک کلام روزگار آنها را سیاه‌تر خواهد نمود.

امپریالیست‌ها براساس شرایط بین‌المللی، با راه‌اندازی جنگ‌های مستقیم و نیابتی، سیاست‌های ظالمانه و ضدخلقی خویش را در مناطق مختلف جهان به پیش می‌برند و به گواه تاریخ تنها نیروی انقلابی که توان ایستاده‌گی در برابر آن را دارد یک جنبش کمونیستی منسجم و قوی جهانی، منطقه‌ئی و یا حداقل کشوری است که قابلیت و توانائی بسیج و تسلیح توده‌های کارگر و زحمتکش را داشته باشد. متأسفانه در شرایط کنونی چنین جنبشی وجود ندارد، اما از آن‌جا که هنوز عناصر، محافل و جریانات مدعی کمونیست وجود دارند، لذا وظیفه‌ی عاجل آن‌ها، ضمن افشای سیاست‌ها و دسیسه‌های ضدخلقی امپریالیست‌ها در همه‌ی عرصه‌ها، تقویت و انسجام صفوف خویش در راه ایجاد چنین جنبشی، جهت سازماندهی و تسلیح توده‌های خلق در راستای انقلاب و منکوب نمودن امپریالیست‌ها و ایادی‌شان می‌باشد.

سر مقاله‌ی نشریه‌ی پیام سیاهکل، ارگان سازمان ۱۹ بهمن، شماره‌ی ۲۲، تیر ۱۳۹۳